



گزارشات اسفند ماه ۱۳۹۹
شماره ۱۵ - ۱۴۰۰/۰۱/۰۱



خنده شکوفه می زند بر لب ها
با فرا رسیدن فصل بهار
سال ۱۴۰۰ خجسته باد

The background of the entire image is a solid light pink color. It is decorated with several dark brown branches of cherry blossoms. The blossoms are in various stages of opening, with some showing five white petals and prominent pink stamens. Some petals are shown falling, appearing as small, light pink shapes scattered across the background.

قشقرق





خلق شخصیت‌های ماندگار و دوست‌داشتنی در ادبیات
کودک، از جمله بچه‌هزارپایی به نام کوتی‌کوتی

فرهاد حسن زاده



فرهاد حسن زاده ، فروردین ماه ۱۳۴۱ در آبادان به دنیا آمد. نویسندگی را در دوران نوجوانی با نگارش نمایشنامه و داستان‌های کوتاه شروع کرد.

جنگ تحمیلی و زندگی در شرایط دشوار جنگ‌زدگی مدتی فرهاد حسن زاده را از نوشتن به شکل جدی بازداشت. هر چند فرهاد حسن زاده همواره به فعالیت هنری‌اش را ادامه داد و به هنرهایی مانند عکاسی، نقاشی، خطاطی، فیلم‌نامه‌نویسی و موسیقی می‌پرداخت؛ اما در اواخر دهه شصت فرهاد حسن زاده با نوشتن چند داستان و شعر به شکل حرفه‌ای پا به دنیای نویسندگی کتاب برای کودکان و نوجوانان نهاد. اولین کتاب فرهاد حسن زاده «ماجرای روباه و زنبور» نام دارد که در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسید. فرهاد حسن زاده در سال ۱۳۷۲ به قصد برداشتن گام‌های بلندتر و ارتباط موثرتر در زمینه ادبیات کودک و نوجوان از شیراز به تهران کوچ کرد.



سیاره گامیت

آثار فرهاد حسن زاده بسیار متنوع هستند. او برای تمام گروه‌های سنی کتاب نوشته و در گونه‌های مختلف ادبی مانند رمان، داستان کوتاه، شعر، داستان تصویری، بازآفرینی متون کهن، زندگی‌نامه و طنز دست به تألیف زده و تاکنون نزدیک به صد اثر از او به چاپ رسیده است.

کتاب‌های فرهاد حسن زاده از جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی جوایز بسیاری گرفته که می‌توان به مهمترین‌شان اشاره کرد: جایزه ماه طلایی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، تقدیر شده در سه دوره کتاب سال ایران، برگزیده چند دوره جشنواره کتاب قانون پرورش فکری، برنده تندیس نقره‌ای از جشنواره لاک پشت پرنده. همچنین در عرصه جهانی می‌توان به دریافت لوح سپاس جایزه «هانس کریستین اندرسن» در سال ۲۰۱۸ و همچنین دیپلم افتخار برای کتاب «زیبا صدایم کن» از سوی IBBY اشاره کرد.



سیاره گامیت

به گفته کارشناسان و منتقدان آثار فرهاد حسن زاده به این دلایل قابل توجه هستند:

- خلق آثاری تأثیر گذار، باورپذیر و استفاده از تکنیک‌های ادبی خاص و متفاوت.
- خلق آثاری که راوی آن‌ها کودکان و نوجوانان هستند؛ روایت‌هایی مملو از تصویرسازی‌های عینی و گفت‌وگوهای باورپذیر.
- پرداختن به موضوع‌های گوناگون اجتماعی چون جنگ، مهاجرت، کودکان کار و خیابان، بچه‌های بی‌سرپرست یا بدسرپرست و ...
- پرداختن به مسائلی که کمتر در آثار کودک و نوجوان دیده می‌شود، مانند جنگ و صلح، طبقات فرودست، افراد معلول، اختلالات شخصیتی-روانی و ...
- تنوع در انتخاب شخصیت‌های محوری و کنشگر (فعال). مشخصاً



سیاره گامیت

دخترانی که علیه برخی باورهای غلط ایستادگی می‌کنند.

- بهره‌گیری از طنز در کلام و روایت‌های زنده و انتقادی از زندگی مردم کوچه و بازار.
- زبان ساده و بهره‌گیری اصولی از ویژگی‌های زبان بومی و اصطلاح‌های عامیانه و ضرب‌المثل‌ها.
- خلق شخصیت‌های ماندگار و دوست‌داشتنی در ادبیات کودک، از جمله بچه‌هزارپایی به نام «کوتی کوتی».
- برخی از کتاب‌های فرهاد حسن‌زاده به زبان‌های انگلیسی، چینی، مالایی، ترکی استانبولی و کردی ترجمه شده و برخی در حال ترجمه به زبان عربی و دیگر زبان‌هاست. همچنین تعدادی از کتاب‌هایش تبدیل به فیلم یا برنامه رادیو تلویزیونی شده است. «نمکی و مار عینکی»، «ماشو در مه» و «سنگ‌های آرزو» از کتاب‌هایی هستند که از آن‌ها اقتباس شده است.



سیاره گامیت

کتاب‌های فرهاد حسن زاده علاوه بر نویسندگی به کار مطبوعاتی نیز پرداخته است. سال‌هاست که داستان‌های کوتاه و نوشته‌های طنز او خوراک نشریات کودک و نوجوان است و بارها مورد تشویق و تقدیر جشنواره‌های مطبوعات قرار گرفته است. او پانزده سال پی‌درپی عضو تحریریه هفته‌نامه «دوچرخه» ضمیمه رایگان روزنامه همشهری بود تا اینکه در اواخر سال ۱۳۹۶ بازنشسته شد.

فرهاد حسن زاده به همراه تعدادی از نویسندگان، شاعران و مترجمان سنگ بنای تشکیل «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان» را گذاشته است. این تشکل اصلی‌ترین نهاد مستقل نویسندگان است که نزدیک به ۲۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد. دبیری و داوری چند جشنواره ادبی و هنری نیز از فعالیت‌های اوست. ارتباط مستمر فرهاد حسن زاده با نهادهای مرتبط با مسائل و حقوق کودکان باعث شده که شناخت بهتری از این بچه‌ها داشته باشد.



سیاره گامیت

تاکنون بیش از چهل پایان‌نامه و مقاله‌های پژوهشی بر اساس آثار این نویسنده به رشته تحریر در آمده است که گویای ارزش‌ها و سبک نوشتاری و روش‌های قابل‌اعتنای ادبی این نویسنده است.

«زیبا صدایم کن»، «هستی»، «عقرب‌های کشتی بمبک»، «این وبلاگ واگذار می‌شود» از جمله رمان‌های موفق و پر طرفدار این نویسنده است. در حوزه داستان‌های کوتاه او می‌توان به «هویج بستنی»، «هندوانه به شرط عشق»، «کنار دریاچه نیمکت هفتم» اشاره کرد. همچنین: «قصه‌های کوتی کوتی»، «چتری با پروانه‌های سفید»، «آقارنگی و گربه ناغلا» از جمله کتاب‌های کودک موفق فرهاد حسن زاده است. در حوزه بازآفرینی متون کهن می‌توان به «حکایت‌های سعدی»، «خسرو شیرین» و «بیژن و منیژه» اشاره کرد.





منبع:
کتابک

www.ketabak.org



سیاره گامیت

A photograph of three children playing in a misty forest. A boy in a green shirt is jumping high to catch a ball, while a girl in a red shirt and another boy in a blue shirt are also reaching up. The scene is framed by a large, curved orange and green border.

کودکان موفق
چه چیزی لازم دارند؟



کودکان موفق چه چیزی لازم دارند؟

لازم نیست کارشناس مسایل کودک باشید تا کودک موفق تربیت کنید. برای اینکه کودک از همان ابتدای کودکی موفقیت را تجربه کند والدین باید به او: عشق و توجه بدهند و نیازهای کودک را بشناسند و در جهت برطرف کردن آنها تلاش کنند. برای اینکه کودک شما نیز با استعداد و سالم رشد کند، باید ۶ مورد را رعایت کنید.



سیاره گامیت

۱. نشان دادن عشق و علاقه

کودکان به عشق نیاز دارند. حمایت احساسی شما به کودک به او احساس امنیت برای کشف دنیا را می دهد. تحقیقات نشان داده اند توجه و عشق والدین در سال های اولیه زندگی کودک در رشد فکری، روحی و فیزیکی او تاثیر بسیاری دارد. عشق باعث رشد مغز کودک می شود.

اما چگونه باید عشق خود را نشان داد؟ بغل کردن، بوسیدن، لبخند، گوش کردن، شجاعت دادن و بازی کردن با کودک همه نشانه های علاقه به کودک هستند که می توانید انجام دهید. هنگامی که کودک گریه می کند مخصوصاً زیر شش ماهه سریع به او رسیدگی کنید.



هنگامی که کودک غمگین یا خیلی شاد است، با توجه زیاد می‌توانید رابطه احساسی عمیقی با او برقرار کنید.

۲. رسیدگی به نیازهای اولیه کودک

کودک با انرژی و سالم یادگیری بهتری نیز دارد و شما می‌توانید این هدف را با برطرف کردن نیازهای اولیه او محقق کنید. سعی کنید در فواصل زمانی معینی بررسی کاملی از سلامت جسمی و سیستم ایمنی او داشته باشید. اگر در دوره‌های مشخص شده و به وقت واکسن و آمپول‌های کودک تزریق شوند، در واقع سلامت او را تضمین کرده‌ایم.



سیاره گامیت

خواب نیز برای رشد و موفقیت کودک بسیار مهم است. هنگام خواب وقتی پلک‌ها سریع به هم می‌خورند، مغز کودک در حال رشد در زمینه یادگیری، حرکت و فکر کردن است.

از سینه شیر خوردن کودک نیز در شش ماه نخست همه نیازهای جسمی او را برآورده می‌کند. کودکانی که از شیر مادر تغذیه می‌کنند، کمتر دچار آلرژی، اسهال، مشکلات تنفسی و عفونت گوش می‌شوند. همچنین، شیر مادر موجب افزایش ضریب هوشی کودک نیز می‌شود.



۳. حرف زدن با کودک

تحقیقات نشان داده است کودکانی که والدین آنها از همان ابتدا زیاد با آنها صحبت کرده‌اند، سریع‌تر مهارت‌های کلامی را فراخواهند گرفت. این کار را می‌توانید از همان دوران جنینی آغاز کنید. پس از به دنیا آمدن کودک، هنگام تعویض پوشک، غذا دادن یا حمام کردن با او صحبت کنید. سعی کنید از کلمات ساده و مختص خود کودک استفاده کنید تا درک بهتری داشته باشد و موقع صحبت کردن نیز به او نگاه کنید. مثلاً همه کارهایی که برای او انجام می‌دهید را برای او توضیح دهید.



۴. کتاب خواندن برای کودک

هنگام مطالعه مجله یا کتاب، آن را با صدای بلند بخوانید تا کودک نیز بشنود. به این ترتیب دایره لغت او و مهارت‌های کلامی او افزایش پیدا می‌کند و می‌توانید باعث برانگیخته شدن قوه تخیل او بشوید. در خلال کتاب خواندن می‌توانید کودک را در آغوش بگیرید و به او احساس امنیت و عشق نیز بدهید. نوزادان از شنیدن صدای موسیقی نیز لذت می‌برند و می‌توانید موسیقی دلخواهش را برایش زمزمه کنید.

۵. تقویت احساسات کودک



سیاره گامیت

برای اینکه کودک در مورد انسان‌ها، مکان‌ها و مسایل مختلف آگاهی کسب کند باید در معرض آنها باشد. هر نوع تعامل جدیدی اطلاعات جدیدی نیز به دانسته‌های کودک اضافه می‌کند. تحقیقات ثابت کرده‌اند، کودکانی که در محیط‌های مملو از امکانات و انسان‌ها رشد می‌کنند و با مسایلی رو به رو هستند که مستقیماً به حواس پنجگانه آنها مرتبط است، مغز فعال‌تر و انگیزه‌های بیشتری دارند.

البته قرار نیست کودک را به طور ۲۴ ساعته تحت اتفاق‌های مختلف قرار دهید تا حواسش رشد کنند. به طور مثال، کودکان تا زیر دو سال نباید تلویزیون نگاه کنند.



سیاره گامیت

وقتی کودک از بازی لذت می‌برد، برای او اسباب بازی‌های متنوع با شکل، بافت، رنگ، صدا و وزن‌های مختلف تهیه کنید. برای او آواز بخوانید. همین بازی‌های ساده و تعاملی می‌توانند به رشد مغز و افزایش ضریب هوشی کودک کمک بسیاری کنند.

همچنین باید به کودک فضای لازم برای پرسه زدن و راه رفتن هم بدهید. این کار برای رشد ماهیچه‌های کودک مفید است. برای این منظور باید خانه را از وسایل خطرناک خالی و فضا را برای چهاردست و پا کردن او مهیا کنید.

۶. مراقب خود باشید



سیاره گامیت

وقتی خود والدین سالم و خوشحال باشند، فرزندان آنها نیز سالم و خوشحال خواهند بود. سعی کنید در زمان‌های خالی ورزش کنید؛ حتی اگر این ورزش یک پیاده روی ساده باشد. می‌توانید کودک را سوار کالسکه کنید و با هم بیرون بروید. به اندازه کافی استراحت داشته باشید. اگر از انجام کارهای خانه و بچه‌داری به طور همزمان خسته شده‌اید آن را با همسر خود تقسیم کنید. اگر تنها هستید می‌توانید از دوستان یا خانواده کمک بگیرید. حتما هر چند وقت یکبار به خود مرخصی بدهید و تنها باشید. تنها بودن می‌تواند کمک کند تا انرژی دوباره کسب کنید. حتی لازم است با یک دوست در مورد مشکلات خود درددل کنید.

منبع:

بیتوته

www.beytoote.com



سیاره گامیت

چگونه کودکان را در اقتصاد و اجتماع پرورش دهیم؟



محققان ضمن بررسی شیوه تربیتی در ۲۴۳ نفر از زمان تولد تا ۳۲ سالگی و سنجش میزان موفقیت آنان در سال‌های آتی زندگی‌شان، چند سال اول زندگی کودک را مهم‌ترین سال‌های شکل‌گیری وجهه اجتماعی-اقتصادی ارزیابی کردند. آن‌ها از طرفی وضعیت اقتصادی خانواده‌ها را نیز در نظر گرفتند و نتیجه‌ای که از این نظارت منتشر کردند از وجود رابطه مستقیم در جایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده با شکل‌گیری شخصیت موفق اقتصادی در کودکان خبر داد. به این ترتیب که رفاه اقتصادی خانواده به جنبه‌های مثبت رشد اقتصادی کودک کمک شایانی می‌کند و در سمت دیگر عدم وجود رفاه نسبی در خانواده، شرایط پرورش کودک در زمینه اقتصادی را به شدت متزلزل می‌کند.

دانشگاه کوبه ژاپن در مقاله‌ای که در ماه میانی سال ۲۰۱۶ منتشر کرد، با در نظر گرفتن سه شیوه تربیتی و چهار فاکتور در موفقیت



سیاره گامیت

آتی فرزندان، تاثیر شیوه‌های تربیتی مختلف را بر روحیه مثبت، موفقیت تحصیلی، احساس امنیت و درآمد متوسط بررسی کرده است. بررسی رابطه این چهار پارامتر با شیوه‌های تربیتی حکایت از این دارد که این فاکتورهای اقتصادی-اجتماعی با شیوه مناسب فرزندپروری به حالت بهینه خود خواهند رسید.

اثر تحصیلی-اقتصادی بر فرزندان

پژوهشگران دانشگاه میشیگان در سال ۲۰۱۴ با انتشار مقاله‌ای به وجود رابطه مستقیم در میزان تحصیلات مادر و میزان تحصیلات آکادمیک کودک پی برده‌اند. در این بررسی مادرانی که تحصیلات تکمیلی خود را گذرانده‌اند، فرزندان تحصیل کرده‌ای پرورش می‌دهند. در پژوهشی با پوشش افق زمانی بلندمدت، ۸۵۶ کودک از هشت سالگی تحت نظارت مستقیم قرار گرفتند. مقایسه موفقیت شغلی و تحصیلی این افراد پس از چهل سال به وجود رابطه



مستقیم در تحصیلات والدین و موفقیت فرزندان آنها منجر شد. مطالعات دانشکده اقتصاد دانشگاه هاروارد نیز نشان می‌دهد فرزندان مادران شاغل از پتانسیل بیشتری برای اکتساب توانایی‌های اجتماعی-اقتصادی برخوردارند. یکی از این پژوهش‌ها که دختران مادران شاغل را بررسی کرده است حاکی از تمایل بیشتر این دختران برای ادامه تحصیل در سیستم آکادمیک و دستیابی به موقعیت شغلی در رده‌های مدیریتی است. این دختران حقوق دریافتی بیشتری از دختران مادرانی که خانه‌دار هستند، به دست می‌آورند. پسران مادران شاغل نیز از نظر مسوولیت‌پذیری و کسب مهارت‌های اقتصادی از گروه دیگر به مراتب تواناتر هستند.

میوه متفاوت سه شیوه تربیتی

به عقیده کارشناسان، سه شیوه کلی در تربیت و پرورش کودکان وجود دارد: سلطه‌گرایانه (کنترل‌کننده با چارچوب‌های مورد نظر



سیاره گامیت

والدین)، سهل گیرانه و مقتدرانه. بررسی روابط علی نشان می دهد که سومین شیوه تربیتی بهترین روش از میان این سه شیوه است. در روش مقتدرانه، والدین تنها با جهت دهی بالغانه سعی در معنا دار کردن هدف گذاری و رفتار کودک دارند. این شیوه آزادی عمل کودک برای تصمیم گیری تحت نظر والدین افزایش می یابد که اثر آن افزایش خلاقیت، مسوولیت پذیری و ایده پردازی در کودک می شود.

کارشناسان دانشگاه های پنسلوانیا و دوک با بررسی بیش از ۷۰۰ کودک از سنین پایین تا ۲۵ سالگی متوجه وجود همبستگی معناداری میان آموزش های مهارت های اجتماعی- اقتصادی در دوره کودکی با موفقیت های شغلی و اقتصادی در ۲۵ سالگی آنان شدند. مهارت هایی که آموزش آنها به تکامل اقتصادی- اجتماعی کودک کمک شایانی می کند شامل مهارت همکاری با دیگران،



کمک به دیگران و حل کردن مشکلات شخصی بدون کمک دیگران هستند. این مهارت‌ها در بلند مدت منجر به کسب مراتب علمی بالاتر و اشتغال به شغل دایمی این دسته از کودکان، در قیاس با کودکانی که این مهارت‌ها را نیاموخته‌اند می‌شود.

در نظر گرفتن مسوولیت‌های کوچک و دایمی برای فرزندان از جمله عوامل تاثیر گذار بر آینده اقتصادی کودکان است. مسوولیت‌هایی مثل شست‌وشوی لباس‌های شخصی، بیرون گذاشتن زباله‌ها یا مشارکت در انجام امور داخل خانه به ارتقای قدرت اتکا به خود و اعتماد به نفس آنها کمک می‌کند. انجام دادن مسوولیت‌های محول شده به طور کامل از اهمیت زیادی برخوردار است چراکه بر مبنای یافته‌های پژوهش‌های علمی تکمیل نشدن امور محوله اثر معکوسی بر کودک می‌گذارد.

اثر انتظار بر عملکرد

اثر پیگمالیون پدیده‌ای است که طی آن سطح انتظارات از یک فرد در



سیاره گامیت

انتها با عملکرد این فرد رابطه مستقیم دارد. بالا بودن سطح انتظار والدین از فرزندان خود (انتظارات نابجا یا خیال‌پردازانه اثرات منفی شدیدی بر کودک می‌گذارد)، به افزایش میزان عملکرد آن‌ها در ادامه زندگی‌شان کمک می‌کند. برای مثال در یک آزمایش، از دانش‌آموزان متعدد تست IQ گرفته شد و تعدادی از دانش‌آموزان به طور تصادفی به عنوان برندگان این تست به معلمان‌شان معرفی شدند. پس از مدتی افزایش محسوسی در ارتقای تحصیلی این دانش‌آموزان پدید آمد در حالی که دانش‌آموزانی که برندگان حقیقی این آزمون بودند در پیشرفت‌شان هیچ تغییری حاصل نشد. بنابراین والدین با اعمال انتظار در نحوه عملکرد فرزندشان می‌توانند به طور مستقیم بر آینده آنان اثر بگذارند.

بر اساس مطالعه‌ای که بر روی ۶۰۰ کودک در کالیفرنیا صورت گرفت، فرزندان والدینی که انتظارشان از عملکرد اقتصادی



کودکان‌شان در سطح بالایی قرار داشت پس از طی دو دهه پیشرفت قابل توجهی در دستاوردهای اقتصادی خود بروز دادند. بیش از ۸۰ درصد این دسته از فرزندان بنا به سطح انتظار والدین شان عمل کردند که مبین کارایی اثر پیگمالیون بر آینده کودکان است.

ریاضیات و اقتصاد

در تحلیلی که از نتایج یک پژوهش علمی بر روی ۳۵.۰۰۰ کودک پیش‌دبستانی در آمریکا، کانادا و انگلستان بدست آمده است، آموزش ریاضیات مقدماتی در سال‌های پیش از مدرسه منجر به افزایش موفقیت آتی این کودکان در زمینه اقتصادی می‌شود. کودکانی که ریاضیات را از سال‌های ابتدایی زندگی می‌آموزند نه تنها در بخش ریاضیات بلکه در مهارت درک مطلب نیز به نسبت گروهی که ریاضیات را در سنین بالاتر آموخته‌اند قوی‌تر هستند.



سیاره گامیت

بنا به مقاله‌ای که در نسخه اکتبر ۲۰۱۴ ژورنال علوم اجتماعی و رفتاری «پروسدیا» منتشر شد، دانش‌آموزانی که پیش‌زمینه ریاضیاتی بهتری دارند در علم اقتصاد با سهولت بیشتری پیشرفت می‌کنند. اگرچه آموزش ریاضیات در دانشکده‌های اقتصاد، در برخی از موارد با اعتراض دانش‌جویان مواجه شده‌است اما در این میان کودکانی که از سال‌های ابتدایی ریاضیات را از والدین خود فراگرفته‌اند کمتر با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنند.

منبع:

اقتصاد نیوز

www.eghtesadnews.com



سیاره گامیت

مقابله با رفتار اشتباه کودک



برخی عادت‌های زشت و رفتارهای ناشایست از کودکان سر می‌زند که می‌تواند خبر از مشکلات روحی و روانی در آنها بدهد. برای مقابله با اینگونه رفتارها بهتر است از برخی روش‌های تربیتی موثر کمک بگیرید. در این بخش به ۵ مورد از آنها اشاره کرده ایم.

بچه‌های معصوم و بامزه ما گاهی وقت‌ها رفتارهای نادرستی را تکرار می‌کنند که باعث شرمندگی یا ناراحتی والدین می‌شود، رفتارهایی مثل تکرار یک عبارت زشت، مکیدن انگشت، دست در بینی کردن و...

اگر فرزندان دچار اینگونه عادت‌ها است حتماً می‌دانید که ترک دادن عادت‌های بد کودک چقدر دشوار است، اگر می‌خواهید بدانید با رفتار و عادت‌های بد فرزندان چطور باید برخورد کنید، این راهنما را بخوانید.

واضح و صریح صحبت کنید: اگر هر بار که فرزندان انگشتش را در بینی‌اش فرو می‌کند دست او را بگیرید و بکشید او نمی‌فهمد دقیقاً چرا



سیاره گامیت

این کار را می‌کنید و به رفتارش ادامه می‌دهد. برایش بگویید دقیقاً با چه چیزی مخالف هستید. بگویید فرو کردن انگشت در بینی کار زشتی است و یک بچه خوب هیچ وقت نباید دست در بینی‌اش کند.

روش جایگزین آموزش دهید: گاهی وقت‌ها فرزندان اشتباهی را تکرار می‌کند چون رفتار درست را نمی‌داند، مثلاً از کلمه رکیکی استفاده می‌کند که جایی شنیده چون مترادف آن را نمی‌داند و فکر می‌کند این کلمه منظور او را می‌رساند. رفتارهای درست و جایگزین را به فرزندان آموزش دهید و بگویید به جای این کار، می‌تواند چه کاری انجام دهد.

مثال یک بزرگسال با او صحبت کنید: غر زدن، دعوا کردن و تهدید کردن به برطرف شدن رفتار اشتباه کودک منجر نمی‌شود. با فرزندان همان طور که با یکی از دوستان حرف می‌زنید صحبت کنید و به او توضیح دهید که انتظار چه رفتاری را از او دارید. در عین حال مقتدر و محکم باشید.



علت رفتار را درک کنید: گاهی کودکان یک رفتار زشت را انجام می‌دهند چون کنجکاو هستند. آنها از بار ارزشی رفتارشان آگاه نیستند و مثلاً ممکن است به خاطر کنجکاوی جنسی یا به خاطر قرار گرفتن در مرحله‌ای از رشد خود، رفتارهای خارج از عرف نشان دهند. ممکن است کودک به خاطر استرس رفتاری مثل انگشت مکیدن یا ناخن جویدن را انجام دهد. در این موارد بدون آنکه کودک را دعوا کنید به او بگویید که می‌توانید با هم درباره این موضوع حرف بزنید و توضیحاتی درخور سن و فهم او ارائه دهید.

رفتار را تقویت نکنید: بهترین تشویق، تنبیه نکردن است. شما می‌توانید رفتار اشتباه را با نادیده گرفتن خاموش کنید. در واقع گاهی واکنش نشان دادن به یک رفتار زشت باعث می‌شود کودک توجه و تمرکز بیشتری بر آن رفتار داشته و آن را تکرار کند. برخی رفتارها را می‌توانید با نادیده گرفتن از بین ببرید. فقط باید صبر کافی داشته باشید و البته بتوانید احساسات‌تان را مدیریت کنید.

منبع:
ایران بانو



سیاره گامیت



گامیتنامہ

گامیتنامہ



آناهیتا نوجوانی ۱۲ ساله است و هنوز نمی‌داند کودک است یا بزرگسال. نیاز دارد به رسمیت و توانمند شناخته شود و در کارهای بزرگترها مشارکت داده شود ولی توانمندی لازم و استقلال رای لازم را هم ندارد که بزرگسال انگاشته شود. دیگه هیچ چیز شبیه قبل نیست. خیلی از چیزهایی که قبلا برایش جذاب و دوست داشتنی بود الان کودکانه است اشتیاقی به انجام بسیاری از کارها ندارد و حوصله‌اش خیلی زود سر می‌رود. آناهیتا وقتی داشت این درد دل‌ها را با گامولی دوست گامبیتی‌اش می‌کرد چشم‌هایش اشک پر شده بود.

دیروز مادر آناهیتا بهش گفته بود که برای خرید به خرابار فروشی برو و از دو کوچه پایین تر هم نان سنگک بخر و بیا. سر این تقاضا یا دستور مادر، آناهیتا پرخواست کرده بود که چرا اینقدر به من زور می‌گی؟ چرا همه‌اش به من امر و نهی می‌کنی؟ مگه من اینجا برده شما هستم؟ اصلا چرا من لازمه کارهای شما را انجام بدم؟ این‌ها وظیفه شماست چرا وظایف‌تان را به زور سر من می‌ریزین؟

مادر آناهیتا با دهان باز داشت ابرازهای آناهیتا را گوش می‌داد و واقعا متحیر بود از اتفاقی که افتاده بود!!!



سیاره گامیت

مگر چه شده بود؟

خلاصه بعد از این انفجار و بعد از بازگشت آرامش آناهیتا حالا نشسته بود و داشت کارهایش را دوره می کرد و کلی غصه می خورد و با گامولی صحبت می کرد.

راستش آناهیتا نمی توانست حق را به مادرش بدهد و از دست او عصبانی بود ولی متأسفانه نمی توانست حق را به خودش هم بدهد و از ماوقع بسیار گیج بود. بدجوری به مفهوم استقلال و توانستن و بزرگ شدن و عاقل بودن و حق داشتن و... گیر کرده بود.

شما چند سالتونه؟

آیا در نوجوانی به این چیزها گیر کردین؟



سیاره گامیت



مریم و ماهور و بیتا سه دوست هستند که از ۳ سالگی با هم در معاشرت هستند و بسیار خاطرات خوبی را با هم رقم زده‌اند. در سن ۱۴ سالگی کلی تجربه مشترک باهم دارند و با هم تئاتر بازی کرده‌اند، کوه‌نوردی کرده‌اند، انیمیشن درست کرده‌اند، آشپزی کرده‌اند، نجاری کرده‌اند و حتی مدتی در آلونک گوشه حیاط زندگی کرده‌اند.

الان به سن نوجوانی رسیده‌اند کم‌کم دارند به آینده‌شان فکر می‌کنند و اینکه چه شغلی لازمه اختیار کنند یا چه مهارت‌هایی برای زندگی و شغل آینده‌شان فرا بگیرند.

در اخباری که این روزها دور این نوجوانان دور می‌زند شغل‌ها و مهارت‌های جدیدی به چشم می‌خورد که گاه برای پدر و مادر این بچه‌ها هم خیلی آشنا نیست.

یوتیوبر!!! خرید و فروش ارزهای مجازی!!! مریبگری!!! کسب و کارهای پلتفرمی!!! تولید محتوای دیجیتال!!! سرقت‌های دیجیتال!!! سواد رسانه‌ای!!! سواد دیجیتال!!! تحول دیجیتال!!! تولید کننده بازی!!! بازی سازی!!! امنیت اطلاعات!!! گیمر ...



سیاره گامیت

خلاصه مریم که پدرش پزشک است خیلی مایل است بتواند مسیر خانوادگی را به روش نو پی بگیرد.

ماهور با جدیدیت دنبال خلاقیت در حوزه کسب و کار است و فکر می کند لازم است طرحی نو راه بیاندازد و نمی داند از کجا شروع کند.

و بیتا که روحیه ای لطیف دارد و از خانواده ای محدودتر است معنی خیلی از این حرف ها را متوجه نمی شود. سر در گم است و محجوب و واقعا نمی داند چه چیزی را می تواند پرسد؟ چرا اصلا باید به پرسش هایی از این دست پردازد؟ و پاسخ اش را چگونه بیابد؟؟؟

شما فکر می کنید به این نوجوانان چگونه می شود کمک کرد؟



سیاره گامیت

سر گرمی



به نظر شما یک مداد سبز چه
چیزهایی را می تواند رنگ کند؟



کدام از بچه‌ها زودتر به مدرسه می‌رسند؟



سینا



بردیا



پگاه



بین این پنجه‌ها، کدام پنجه پلنگ می‌باشد؟



۱

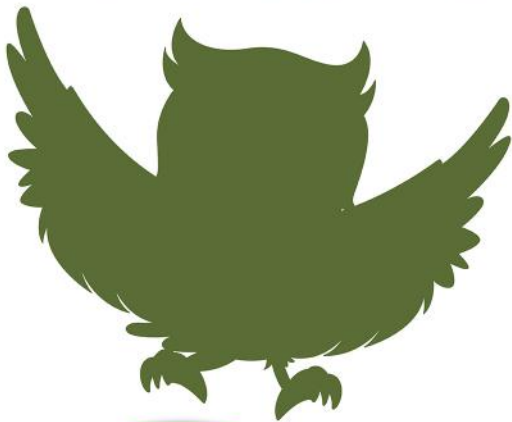
۲

۳

۴

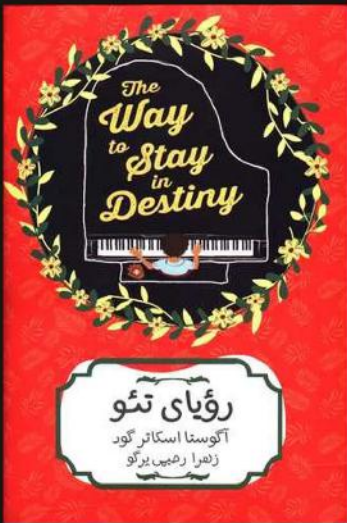


کدام حیوان روزها می خوابد و شبها بیدار هستش؟





معرفی کتاب



سیا
گاہیت

جیالایا، غول قاتل



حدیث از غلامی
تصویرگر: سارا منبری، قومن

رهجا
Hooja

سیار
گالیت



طبل زن‌ها

راینر زیمتیک

مترجم: شادی معصومی همدانی

سیار
گامیت

فلسفه
برای نسل نو



با فرصت‌های خوب چه می‌کنی؟

پروین نوری
به گزارش نیویورک تایمز



کتابی پامادا ✎ تصویرگر: بی بی بزم ✎ ترجمه‌ی مهدی جوانی

سیار
گامیت

داستان کوتاه



داستان کوتاه

داستان کوتاه تعمیر لانه خرگوش

روزگاری در جنگلی سرسبز و بزرگ، حیوانات مختلفی در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. یک خرگوش زرنگ و زیبا روی تپه‌ای سرسبز در جنگل لانه داشت. او به تازگی با پدر و مادرش خداحافظی کرده بود و برای خودش این لانه را ساخته بود. وقتی تابستان کم‌کم تمام می‌شد و هوا سرد می‌شد، بادهای شدیدی می‌وزید و برگ‌های درختان را به این طرف و آن طرف می‌برد.

تا اینکه یک روز وقتی باد شدیدی وزید، ناگهان لانه‌ی خرگوش خراب شد. خرگوش که در بیرون از لانه‌اش مشغول جست و خیز بود اصلاً متوجه خراب شدن لانه‌اش نشد. وقتی به سمت لانه‌اش برگشت خیلی شوکه شد و از ناراحتی خشکش زد. او با خودش



داستان کوتاه

گفت: «حتما خانه‌ام را خوب نساخته‌ام که این‌طوری با یک باد سنگین، خراب شده.»

خرگوش ناامید و ناراحت رفت روی تپه نشست و به درختان دوردست خیره شد. او خیلی ناراحت بود و فکر می‌کرد دیگر نمی‌تواند لانه‌ای بسازد. همانطور که به درختان بلند نگاه می‌کرد، صدایی شنید. صدا گفت: «خرگوش ناراحت نباش. دوباره خانه‌ات را می‌سازیم.»

خرگوش ناگهان از جا پرید و گفت: «کی بود؟»

خرگوش چشمش به فرشته‌ای افتاد که بر فراز تپه ایستاده بود و با نگاهی مهربان به او نگاه می‌کرد.

خرگوش به فرشته نگاه کرد و گفت: «آه فرشته... به من بگو چگونه؟ آخر چگونه خانه‌ام را دوباره بسازم. دیدی که من خانه‌ام را خوب نساخته بودم. خانه‌ام



داستان کوتاه

خراب شد. حالا باید چه کار کنم؟». فرشته نگاهی به خرگوش کرد و گفت: «از تپه برو پایین و در میان دوستان در جنگل بگو که خانه‌ای که ساخته بودی، خراب شده. بعد نگاه کن و ببین دوستان چه کار می‌کنند.»

خرگوش از تپه پایین آمد و به سرعت خودش را به وسط جنگل رساند. همین که به جنگل رسید با صدای بلند گفت: «آهای دوستان من! من خانه‌ای ساخته بودم که حالا خراب شده. به من کمک کنید. باید چه کار کنم؟». کم‌کم از گوشه و کنار جنگل صدای حیوانات مختلف آمد. سمور جلو آمد و مسئولیت کندن یک گودال محکم برای لانه‌ی خرگوش را به عهده گرفت. بعد داریکوب آمد و مقداری ساقه و برگ‌های خشک



داستان کوتاه

درختان را با خودش آورد. این‌ها برای ساختن درِ لانه‌ی خرگوش لازم بود. بعد از دارکوب آهو آمد و مقداری غذا برای خرگوش آورد تا در خانه‌ی جدیدش انبار کند.

هنوز شب نشده بود که خانه‌ی خرگوش از نو ساخته شد. خرگوش از خوشحالی بالا و پایین می‌پرید و از دوستانش تشکر می‌کرد. حالا او با کمک دوستانش یاد گرفته بود که چگونه خانه‌ای محکم و زیبا بسازد تا اگر باد شدیدی آمد، هرگز خراب نشود.



داستان کوتاه سگ مهربون

روزی روزگاری در یک مزرعه بزرگ و سرسبز و زیبا حیوانات زیادی زندگی می‌کردن. یک انبار بزرگی گوشه مزرعه بود پر از گاه که بعضی از ساعت‌های روز حیوانات این مزرعه تو این انباری استراحت می‌کردن. بین این حیوانات یک سگ بود که همه اون رو سگ مهربون صدا می‌زدن چون با همه دوست بود، خیلی مهربون بود و هوای همه حیوانات مزرعه رو داشت و همه اون رو دوست داشتن.

یک ظهر بهاری بچه گربه‌ای که تازه به جمع مزرعه



داستان کوتاه

اضافه شده بود، رفت کنار سگ مهربون و گفت: سلام من پیشی کوچولو هستم. اومدم پیرسم چرا اینقدر همه شما رو دوست دارن و چطوری تونستی این همه دوست داشته باشی؟ سگ مهربون با آرامش گفت: خودت چی فکر می کنی؟ پیشی کوچولو گفت: نمیدونم ، شاید اونا ازت می ترسن که اینقدر باهات دوستن ولی من خیلی کوچیکم، اونا از من نمی ترسن.

سگ مهربون با لبخند گفت: نه پیشی کوچولو من اگه می خواستم بد اخلاق باشم و اونا رو اذیت کنم نمی تونستم باهاشون دوست بشم، من اگه بدجنس بودم الان



داستان کوتاه

نمیومدی با من حرف بزنی درسته؟ پیشی کوچولو
یه کمی فکر کرد و گفت: درسته چون مهربون
بودی اومدم. سگ مهربون به علفهای پشت
سرش تکیه داد نفس عمیقی کشید و گفت: پس
همیشه با همه مهربون باش و تو کارها به اونا کمک
کن تا همه دوستت داشته باشند. اینطوری اگه شما
هم یه روزی به کمک احتیاج پیدا کنی، همه حیوونا
با مهربونی بهت کمک می‌کنن. پیشی کوچولو از
اینکه فهمید چرا سگ مهربون دوستای زیادی داره
خوشحال شد و تصمیم گرفت که مثل سگ مهربون



داستان کوتاه

با همه اهالی مزرعه مهربون باشه و به همه کمک کنه
تا همه اونو دوست داشته باشن.



داستان کوتاه شوخی بد

روزی روزگاری تو یه جنگل سرسبز و زیبا رودخونه بزرگی بود که داخل اون پر از قورباغه‌های بزرگ و کوچیک بود و هر روز غروب خرگوش‌ها نزدیک این رودخونه میومدن و بازی می کردن. یه روز یکی از این خرگوش‌ها که مشغول بازی بود چند تا قورباغه رو دید که تو قسمت کم عمق رودخونه شنا می کردن.

خرگوش کوچولو با خودش فکر کرد که یه کمی با این قورباغه‌ها شوخی کنه پس دوستش رو صدا زد و گفت: بیا به این قورباغه‌ها سنگ بزنیم و باهاشون



داستان کوتاه

شوخی کنیم. فکر کنم خیلی خوش بگذره چون اونا به این طرف و اون طرف میپرن تا سنگ بهشون نخوره. دوست خرگوش کوچولو قبول کرد و اونا شروع کردن به پرتاب کردن سنگ به طرف قورباغه‌های بیچاره. خرگوش کوچولو و دوستش از این کار خیلی لذت می‌بردن و با صدای بلند می‌خندیدن اما بعضی از این سنگا به قورباغه‌های بیچاره خورد و چندتاشون زخمی شدن.

خرگوش کوچولو و دوستش از دیدن این منظره خوشحال‌تر شدن و بلندتر خندیدن، شب شد و



داستان کوتاه

خرگوش‌ها از هم خداحافظی کردن و رفتن به لونه هاشون. پدر خرگوش کوچولو ازش پرسید: امروز خوش گذشت پسر؟ خرگوش کوچولو گفت: خیلی خوش گذشت کلی با قورباغه‌ها شوخی کردیم و خندیدیم. پدر گفت: چه شوخی کردین؟ خرگوش کوچولو گفت: با سنگ زدیمشون و کلی باهاشون شوخی کردیم. پدر که خیلی ناراحت شده بود گفت: بعضی شوخی‌ها اصلاً خنده‌دار نیستن، شما باید باهم دوست باشین و با همدیگه بازی کنین. الان خودت دوست داری که اون قورباغه‌ها با



داستان کوتاه

سنگ شما رو بززن و بخندن؟ خرگوش کوچولو گفت: نه دوست ندارم. پدر گفت: دیدی پسرم اونا هم دوست ندارن که با سنگ بزنیشون، فردا باید برین ازشون معذرت خواهی کنین.

خرگوش کوچولو که متوجه شد چه اشتباه بدی کرده به پدرش قول داد که دیگه از این کارا نمی‌کنه. فردا خرگوش کوچولو و دوستش از قورباغه‌ها معذرت خواهی کردن و باهم دوست شدن و قول دادن که دوستای خوبی برای هم باشن و تا شب باهم بازی کردن و کلی بهشون خوش گذشت.



مورچه کوچولو در مزرعه موز

روزی از روزها مورچه‌ی کوچکی به نام سیاه‌دونه در مزرعه بزرگ زندگی می‌کرد. چند کشاورز در این مزرعه موز می‌کاشتند. موزهای خوشبو و خوشگلی که هرروز زیر نور آفتاب گرم می‌خوابیدند تا رنگ پوست‌شان زرد شود و رسیده شوند. سیاه‌دونه هرروز از خواب بیدار میشد و با دوستانش از روی موزها سر می‌خوردند و بازی می‌کردند.

سیاه‌دونه با دوستانش روی سر موزها می‌ایستادند و دور دست‌ها را نگاه می‌کردند. آنها عاشق موزها بودند



داستان کوتاه

و وقتی رنگ موزها زرد می‌شد از بوی آنها لذت می‌بردند. مزرعه موزها بهترین خانه‌ای بود که سیاه دونه و دوستانش داشتند.

اما یک روز که سیاه‌دونه و دوستانش مشغول سرسره بازی روی موزها بودند ناگهان صدای گریه‌ای شنیدند. گوش‌هایشان را تیز کردند و دنبال صدا را گرفتند. سیاه‌دونه و دوستانش دیدند یک بچه موز کوچولو زخمی شده و شاخه بالای سرش کمی شکسته است.

سیاه‌دونه رفت کنار بچه موز و او را دلداری داد. بچه موز اما دائم گریه و زاری می‌کرد و گفت: ااااا... خدایا.. پوست



داستان کوتاه

زرد و خوشگلم خراشیده شده. شاخه‌ام درد می‌کند... کمکم کنید. سیاه‌دونه با دوستانش دست به کار شدند. آنها از شاخه‌ها پایین آمدند و خیلی زود چند شاخه نی پیدا کردند. از آن برای ساختن یک سوزن بزرگ استفاده کردند.

بعد سیاه‌دونه و دوستانش رفتند پیش آقای عنکبوت و مقداری نخ از او گرفتند و یک سوزن و نخ درست کردند و دوباره رفتند پیش موز کوچولو که داشت گریه می‌کرد. سیاه‌دونه با کمک دوستانش خیلی آرام شروع کرد به دوختن شاخه



داستان کوتاه

موز کوچولو تا خواست دوباره داد و فریاد راه
بیاندازد، سیاه‌دونه و دوستانش گفتند، دیگر تمام
شد. ما شاخه‌ات را دوختیم. حالا حالت خوب می‌شود.
بیا دوباره با هم آواز بخوانیم تا حالت بهتر و بهتر
شود.



شما هم داستان کوتاه
برای ما ارسال کنید



سیاره گامیت



دنیا را نجات دهید
فقط با کاشتن یک درخت

پانزدهم اسفند ماه روز درختکاری





@GAMBEETPLANET



WWW.GAMBEET.COM



@GAMBEETPLANET

